

تأثیر عفاف در قدرت‌یابی زنان در جامعه سیاسی ایران

(با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران)

زهرا قاسمی^۱، حمید محمودیان عطاآبادی^{۲*} و عبدالعزیز فاضلی^۳

چکیده

«عفاف» از اساسی‌ترین تعالیم اخلاقی اسلام بشمار می‌رود. زنان جامعه اسلامی باید از خودنمایی، خودآرایی و دلربایی در محیط بیرون از خانه پرهیز و مردان جامعه نیز از چشم‌چرانی و هوسرانی اجتناب ورزند. امام خمینی(ره) بر ترویج فرهنگ صالح به وسیله زنان تأکید دارند. از دیدگاه ایشان زن در عصر پهلوی شیء مانند بوده، اما بعد از انقلاب زنان تابع فاطمه(س) شده و مکتب فرهنگی اسلام را رواج داده‌اند و به برکت نهضت اسلام زن عضوی فعال در جامعه شده و تا حدودی مقام خود را یافته است. این مقاله بر آن است که با روش تحلیلی، توصیفی به بررسی جایگاه و تأثیر عفاف زنان و قدرت‌یابی آنان در جامعه سیاسی ایران پس از انقلاب بپردازد و نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که عفاف و حجاب بانوان نه تنها مانعی برای حضورشان در اجتماع نیست بلکه زنان با حفظ عفاف و با پایبندی به آموزه‌های دینی و بهره‌گیری از سیره بزرگان دین بویژه امام خمینی(ره) به عنوان عنصری تأثیرگذار در جریان رو به رشد انقلاب اسلامی نقش ایفا می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: عفاف، قدرت‌یابی، زنان، اسلام، آسیب‌های اجتماعی، حجاب.

۱- دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، گروه معارف اسلامی، شیراز، ایران.

۲- استادیار ادیان و عرفان تطبیقی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، گروه معارف اسلامی، شیراز، ایران.

۳- کارشناسی ارشد حقوق عمومی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، شیراز، ایران.

*- نویسنده مسئول مقاله: hmahmoudian2@gmail.com

پیشگفتار

مقوله بی‌حجابی امروز به یک معضل کاملاً مشهود در جامعه درآمده است. حجاب و عفاف یک دستور دینی و از مسایل مهم و کلیدی جامعه ماست. این مسئله از آن جهت که خطابش با زنان است، به نیمی از جمعیت جامعه مربوط است و از آن جهت که در تنظیم روابط زن و مرد نقش دارد، به همه افراد جامعه مربوط می‌شود آنچه می‌تواند جامعه‌ای را از این آسیب‌های شوم مصون داشته و حفظ کند، ترویج فرهنگ دقیق عفاف و تبیین ابعاد گوناگون آن در جامعه است. با رعایت حجاب و عفاف از فروپاشی خانواده‌ها جلوگیری می‌شود و زمینه قدرت‌یابی زنان در اجتماع نیز فراهم می‌گردد.

از منظر اسلام، یکی از مهم‌ترین وظایف زنان در خانواده و جامعه؛ پاسداری در حفظ حریم عفاف است. زن یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزش‌های والای انسانی کشیده می‌شوند، می‌تواند برعکس آن باشد. (Imam Khomeini, 1999).

ارزش قائل شدن برای کرامت انسانی زن و رعایت حقوق و تکریم جایگاه او به عنوان یک شخصیت انسانی، به واسطه عفاف او به وجود آمده و باعث عزت بیش از پیش او در خانواده و جامعه خواهد شد. کرامت، حافظ بسیاری از ارزش‌های انسانی است. به یقین می‌توان گفت؛ پرورش کرامت در زنان، روابط انسان‌ها را تنظیم و راه صحیح زندگی کردن را هموار می‌سازد.

پژوهش‌هایی درباره عفاف و حجاب صورت گرفته است. از جمله مقاله‌هایی مانند چیستی حجاب اسلامی معناشناسی حجاب از منظر آیات حجاب از شفیعی‌مازندرانی (۲۰۱۱) و مفهوم‌شناسی عفاف از طرقی اردکانی (۲۰۱۰) که به بررسی مفهوم‌شناسی عفاف و حجاب پرداخته‌اند و مقالاتی چون اختیارات و وظایف دولت اسلامی در بسترسازی برای عفاف، حجاب و گسترش آن از کیکاووسی (۲۰۱۲) و نهادی‌سازی حجاب و عفاف در جامعه؛ رویکردی فرایندی از مختاریان‌پور (۲۰۱۱) که به بررسی چیستی حجاب و نهادی‌کردن حجاب و عفاف پرداخته‌اند. هم‌چنین، چراغی (۲۰۱۵) در کتاب خود با عنوان حجاب و عفاف در ایران و اسلام و تأثیر آن بر سلامت و امنیت جامعه امروزی، تأثیر حجاب و عفاف را بر جامعه امروزی بررسی کرده است و هم‌چنین، در آثاری مانند مسئله حجاب در جمهوری اسلامی ایران از غلامی (۲۰۱۲) و حجاب و عفاف در رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی از عزلتی مقدم (۲۰۱۰) نیز به بررسی مفهوم حجاب و عفاف، راهکارهای حل مشکل بدحجابی و چرایی تلاش غرب در مبارزه با آن پرداخته شده است. آثار ذکر شده هر کدام به گونه‌ای؛ حجاب، عفاف و نهادی‌کردن آن را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما تا به حال پژوهشی که به گونه جامع به بررسی تأثیر عفاف و جایگاه آن در قدرت‌یابی زنان در جامعه سیاسی ایران بپردازد، در دست نیست.

اهداف پژوهش

هدف نخست: بازنمایی معنای حجاب و عفاف در احادیث و قرآن.
 هدف دوم: فهم عوامل موثر حجاب و عفاف از منظر احادیث و قرآن.
 هدف سوم: فهم اثرات فردی و اجتماعی حجاب و عفاف از منظر احادیث و قرآن.

روش پژوهش

پژوهش کیفی با تحلیل محتوای کیفی واژه عفاف و حجاب در محتوای قرآن و احادیث است. جمع آوری داده به روش کتابخانه انجام شده است.

یافته های پژوهش

هدف نخست: بازنمایی معنای حجاب و عفاف در احادیث و قرآن

الف) عفاف

واژه عفاف از ریشه «ع.ف.ف» است و در معنای آن گفته‌اند: «عفاف، عبارت است از دست کشیدن از حرام و درخواست از مردم و دست کشیدن از آنچه حلال و زیبا نیست و بازداشتن نفس از خواهش‌های نادرست» (Tarihi, 1994). عفاف، ملکه دوری از گناه در زندگی مؤمن است (1984 Ibn Manzur, که در ارتباطات با خود، با فرد دیگر، با گروه و جامعه بروز می‌یابد و در معنای خاص، به پاکدامنی و غلبه عقل بر شهوت جنسی دلالت دارد (Naraghi, 1998).

ب) حجاب

واژه «حجاب» مصدر از ریشه (ح ج ب) است که اهل لغت تعاریفی گوناگون برای آن ذکر کرده‌اند. برخی گفته‌اند: «الحجاب ما حجب به شیء عن شیء» (Barahidi, 1985). بنابراین، تعریف حجاب آن چیزی است که به واسطه آن چیزی از چیزی در حجاب قرار گیرد. روشن است که نباید در تعریف چیزی از خود آن امر یا مشتقات آن استفاده کرد تا مصادره به مطلوب رخ ندهد؛ اما در این‌جا برای روشن شدن معنای حجاب از فعل (حَجَبَ) استفاده شده است. لذا بهتر آن است که گفته شود: «الحجاب کلّ ما حالّ بین شیئین» (Tarihi, 1996). هر آنچه میان دو چیز حائل شود، حجاب است. جستجو در کتب لغت و تأمل در تعاریف واژه حجاب حاکی از آن است که در معنای لغوی حجاب دو مفهوم قابل تمایز از هم وجود دارد؛ مفهوم نخست جدا کردن دو چیز، مرز گذاشتن میان آن‌ها و فاصله انداختن بین دو امر می‌باشد که این معنا از واژه‌های حایل، مانع و حاجز مستفاد است. مفهوم دوم، پنهان کردن، پوشاندن و از مقابل دیده افراد خارج کردن است که این معنا از واژه «ستر» و مانند آن قابل استفاده می‌باشد.

جلوه‌های عفاف

الف- نمود عفاف در پوشش ظاهر بدن

این بخش از عفاف محسوس‌ترین و ملموس‌ترین بعد می‌باشد. در آیات قرآن کریم «در سوره نور و احزاب» به این بعد از حجاب با عنوان «خُمار» و «جلباب» تأکید ویژه شده است. قرآن کریم از دو نوع حجاب و شیوه پوشش زن سخن به میان آورده است: «خمار» و «جلباب»؛ از خمار در آیه سوره نور سخن گفته شده است: «وَلِيضِرْنَ بِخُمْرِهِنَّ عَلٰى جُيُوبِهِنَّ» (Noor, 31)؛ خمارهای خود را بر گریبان‌های خویش بیفکنید. که این قسمت آیه بیانگر کیفیت پوشش است که زن باید آن را بپوشاند.

نوع دوم پوشش جلباب است که در سوره احزاب بدان تصریح شده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا» (Ahzab, 59)؛ ای پیامبر، به زنان و دختران و زنان مؤمن بگو: جلباب‌های خود را به هم نزدیک سازند تا با این پوشش بهتر شناخته شوند و از تعرض هوس‌رانان آزار نبینند و خداوند بخشنده و مهربان است.

ب- عفاف در نگاه

این بخش از عفاف پس از بعد نخست، شناخته شده ترین بعد از ابعاد عفاف است و دستور صریح قرآن کریم و اهل بیت (ع) بر این بعد از عفاف دلالت دارد. این بعد از عفاف هم برای زن و هم برای مرد است، هم‌چنان‌که خداوند در سوره نور به مردان و زنان به گونه جداگانه امر می‌کند که چشم‌های خود را فرو افکنند: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ يَعْضُوا مِنْ اَبْصَارِهِمْ» (Noor, 30)؛ ای رسول، به مردان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشند» «وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ» (Noor, 31)؛ ای رسول، به زنان بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشند. نکته مهم آن است که پرهیز از نگاه به نامحرم و نگاه‌های حرام اگر چه در روایات بیش‌تر مربوط به مردان است، ولی همان‌گونه که آیات شریفه نیز تصریح شد، پرهیز از نگاه خیانت کارانه و نگاه هوس‌آلود به نامحرم در مورد زنان نیز صدق می‌کند؛ از این‌رو، حضرت رسول (ص) می‌فرماید: «خشم خداوند سخت است بر زن شوهرداری که چشم خود را از غیر شوهر خود یا از کسی که محرم او نیست، پرکند» (Mohammadi Reyshahri, 1998).

ج- عفاف در گفتار

تبیین روشن وحی در باب نحوه سخن گفتن زنان مؤمن با مردان، یکی از مهم‌ترین ابعاد عفاف است که در قرآن ذکر شده است و حتی لحن سخن گفتن زنان را در بعد روان‌شناسانه در نظر

گرفته است. عفت در گفتار در آیات قرآن کریم مؤکداً در مورد چگونگی گفتار زنان با نامحرم است آن‌جا که می‌فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (Ahzab, 32)؛ «زنهار نازک و نرم با مردان سخن نگویند که بیمار دل طمع ورزد، بلکه شایسته و متعارف سخن گویند».

د- عفاف در رفتار

نوع دیگر عفاف، عفت رفتاری زنان در مقابل نامحرم است. به زنان دستور داده شده است به گونه‌ای راه نروند که با نشان دادن زینت‌های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند. مقصود از عفاف در رفتار اعمال و افعالی است که به اعضا و جوارح پدید می‌آیند از جمله: (۱) آشکار ساختن زینت‌های پنهان، (۲) استعمال عطر، (۳) آرام گرفتن در خانه و پرهیز از تبرج جاهلی.

هدف دوم: فهم عوامل موثر حجاب و عفاف از منظر احادیث و قرآن

عوامل مؤثر در نهادینه‌سازی حجاب

از عوامل جامعه‌پذیری حجاب می‌توان به عواملی از جمله: خانواده، مدرسه و مراکز آموزشی، وسایل ارتباط جمعی، گروه‌های همسالان، دولت و سازمان‌های سیاسی و نهاد روحانیت اشاره کرد که در این‌جا تنها به شرح دو مورد آن اکتفا می‌نماییم. (Sharbatian, 2011).

الف) مدرسه و مراکز آموزشی: مدرسه پس از خانواده مهم‌ترین نهادی است که نقش عمده‌ای در یادگیری افراد، بویژه کودکان و نوجوانان ایفا می‌کند. آشناسازی فرد با مفهوم و معنای حجاب در مدارس، از سه راه انجام می‌گیرد: ۱- از راه کتاب‌ها، منابع درسی و برنامه‌های مذهبی؛ ۲- از راه ارتباطات و تعاملات معلم با دانش‌آموز؛ ۳- از راه فضای مدرسه، سازمان‌ها و گروه‌های موجود در مدرسه. آموزش‌های مذهبی ارایه شده در مدرسه، نقشی مهم در رشد روحیه مذهبی کودکان و نوجوانان دارد. این آموزش‌ها در ادامه آموزش نهادهای دیگر، بویژه خانواده، دوستان، همسالان، مساجد و رسانه‌های همگانی است. بنابراین، آموزش‌های ارایه شده نباید در تباین با آموزش‌های ارایه شده به وسیله این نهادها باشد (Sharbatian, 2011).

ب) روحانیت و مراکز تبلیغ دینی: رفع معضل بدحجابی در گرو بکارگیری بیش‌تر از توان حوزه و روحانیت در این عرصه است و متولیان فرهنگی و مذهبی این عرصه باید از انجام برنامه‌های مقطعی و بی‌حاصل به شدت پرهیز نمایند. فرهنگ‌سازی در حوزه دین باید آگاهانه نهادینه شود و نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب و عفاف به عنوان یکی از ضرورت‌های باورهای دینی مستلزم برنامه‌ریزی صحیح در سه حوزه فرد، خانواده و جامعه است از آنجا که پیکره جامعه شامل فرد، خانواده و جامعه است و فرهنگ عفاف و حجاب، یکی از باورهای اصیل دینی است که در سه حیطة

یادشده، با توجه به شناسایی مرزهای مفهومی حیا، عفاف و حجاب که جانمایه فرهنگ عفاف هستند و نیز ابزار و شیوه‌های نو و مؤثر و اطلاعات جامعه‌شناسی و روان‌شناختی به جامعه تزریق می‌شود. به گونه معمول، فرهنگ‌سازی درست، در سه مرحله نهادینه‌سازی (تعمیق: عمق بخشیدن به سطح باورهای اجتماع)، گسترش (ترویج: گسترش باورهای موجود یا نهادینه شده) و حفظ و نگهداری (تحفیظ: حفظ باورهای نهادینه شده و ترویج یافته)، شکل می‌گیرد. به نظر می‌رسد برای رسیدن به جایگاه واقعی حجاب و نهادینه‌شدن آن نیاز به هم‌سویی و وحدت عمل رسانه، مراکز آموزشی و مساجد می‌باشد تا با تبیین مبانی و هدف حجاب به این مهم دست یابند. (Akbari, 2001).

ضرورت عفاف برای زنان

عفاف، از دامنه و ابعاد گسترده‌ای برخوردار است. «در یک نگاه کلی، گستره عفاف به گستردگی فعل و انفعالات و جوارح و جوانح انسان است. لذا، گاه موضوع کلی عفاف در امور اجتماعی است که انشعابات‌ی چون عفاف در لباس، نگاه، صدا، گفتار و... دارد و گاه موضوع عفاف فعل و انفعالات فردی و زمینه‌ساز ارزش‌های خاصی از جهت تمایزات اخلاق شخصی است مثل مشارطه در دوری از گناه» (Mirkhani, 2001).

برخی از دلایل اهمیت عفاف و حجاب برای زنان عبارتند از:

۱- زن، خلیفه الهی است؛

این مقام والا در چند آیه بیان شده است. از جمله در سوره بقره می‌خوانیم:

«به درستی که من در زمین، جانشینی قرار خواهم داد» (Baghareh, 30).

برخی از مفسران بر این باورند که مقام خلافت انسان در این آیات، متعلق به «آدمیت» است نه «شخص» پس همه انسان‌ها (چه زن و چه مرد) را شامل می‌شوند. شاهد بر این ادعا نیز خطاب‌هایی در قرآن است که عمومی و ناظر به تمام انسان‌هاست (Tabatabaei, 1992) مانند:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (Noor, 55)؛ خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید.

بنابراین، مقام خلافت الهی شامل زن و مرد می‌شود و در این امر فرقی میان آن‌ها نیست. دلیل دیگر بر عدم اختصاص این مقام به مردان، این است که طبق آیات قرآن، نشانه شایستگی آدم برای مقام خلافت الهی، قابلیت او بر تعلیم و تعلم علوم الهی است (Baghareh, 30-33) و محور تعلیم و

تعلّم، روح و جان آدمی است نه تن او، و روح نه توصیف به مذکر می‌شود و نه مؤنث. بنابراین، خلافت الهی شامل زنان نیز می‌شود (Javadi-Amoli, 1999).

۲- زن، مسجود ملائکه است؛

خداوند به ملائکه خود دستور داد بر آدم سجده کنند:

«وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (Baghareh, 34)؛ و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده و خضوع کنید؛ همگی سجده کردند...

آن‌چه موجب شد که خداوند چنین دستوری به ملائکه دهد، چیزی نیست جز مقام «آدمیت» که مشترک میان زن و مرد است. شایستگی انسان برای این مقام هم به دلیل برتری او بر ملائکه است چراکه قادر به تعلیم و تعلّم اسمای الهی است. بنابراین، هرکس بتواند آگاهی خود نسبت به علوم و اسمای الهی را افزایش دهد، انسانیت خود را توسعه داده و برای مقام خلافت شایسته‌تر خواهد بود، خواه زن باشد یا مرد (Javadi-Amoli, 2009).

هدف سوم: فهم اثرات فردی واجتماعی حجاب و عفاف از منظر احادیث و قرآن

ضرورت و وجوب حجاب داشتن برای زنان از نظر قرآن، و گفتار اهل بیت (ع) و اجماع و اتفاق رأی علمای اسلام ثابت است. در قرآن کریم، و سیره اهل بیت (ع) برای وجوب عفاف و حجاب شواهد بسیاری وجود دارد.

عفاف و حجاب مایه زینت

عفاف و حجاب در ذات و فطرت بشر نهاده شده است. داستان آدم و حوا می‌تواند دلیلی روشن برای این مدعا باشد.

قرآن کریم حجاب و پوشش را هدیه‌ای آسمانی می‌خواند: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ» (Araf, 26)؛ ای فرزندان آدم! ما لباسی را که ستر عورت شما کند و جامه‌های زیبا و نرم برای شما فرستادیم و لباس تقوا نیکوترین جامه است. این سخنان همه از آیات خداست باشد که خدا را یاد آرند.

جلوگیری از فرو افتادن در دام شیطان

قرآن کریم، برهنگی و کنار گذاشتن لباس را دامی می‌داند که شیطان در مسیر انسان قرار داده، آن را مخالف با فطرت بشر می‌داند و انسان‌ها را از فرو افتادن در چنین دامی بر حذر می‌دارد. در سوره اعراف آمده است:

«يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أُخْرِجَ أَبُوئِكُمْ مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَاتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (Araf, 27)؛ ای فرزندان آدم! مبادا شیطان شما را فریب دهد چنان‌که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و لباسشان را از تنشان بیرون آورد و قبايح آنان را در نظرشان پدید آورد. همانا شیطان، خویشان و بستگانش شما را می‌بینند در صورتی‌که شما آنها را نمی‌بینید. ما شیطان را دوستدار آنان که به خدا ایمان نمی‌آورند، قرار داده‌ایم.

مانع شدن از تعرض و جسارت هوس‌رانان

حجاب در اسلام محدودیت نیست، بلکه مصونیت است. حجاب اسلامی نشان و سمبل تسلط و اشراف مرد بر زن یا تبعیت زن از مرد نیست. عفاف در اسلام نشان تقوا، پاکدامنی و خدا ترسی زن مسلمان است، هدف و منظور از حجاب اسلامی مصونیت تمام زنان مسلمان است. متداول بودن حجاب در میان ملل مختلف با آن که دارای عقاید، مذاهب و شرایط جغرافیایی متفاوت بوده‌اند نشانگر آن است که تمایل به پوشش و حجاب امری فطری است (Mohammadi Ashtiani, 1993).

پایداری زیبایی و شادابی زن

رعایت عفاف و حجاب ضمن این که زن را در مقابل آفات مصون نگه می‌دارد او را زیباتر ساخته و شادابی بهتری به او می‌بخشد. امام علی(ع) می‌فرماید: «صیانت زن او را شاداب‌تر و زیبایی‌اش را پایدارتر می‌کند» (Tamimi Amadi, 1987).

لازمه حفظ کرامت زن

در آغاز لازم است روشن شود که فلسفه کرامت انسان چیست.
«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (Asra, 70)؛ به راستی ما فرزندان آدم را گرمی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.
در این آیه چند نکته بیان شده است:

۱. این کرامت از آن فرزندان آدم است و شامل همه آنان اعم از زن و مرد می‌شود. قید مؤمن، مسلمان، حتی انسان وجود ندارد.
۲. برای این موجود گرمی داشته شده، امکانات، وسایل، فرصت حرکت و جابه‌جایی و رزق پاکیزه فراهم شده است.

۳. به جز گرامی داشتن، بر بسیاری آفریده‌ها برتری داده شده است که نشان می‌دهد، کرامت چیزی جز برتری است.

به بیان دیگر، تکریم انسان، نهادن ویژگی‌هایی در این موجود است که در دیگران نیست و امری اعتباری یا تنها احترام نیست. دادن چیزهایی است که در دیگر موجودات هست؛ اما در انسان بیش‌تر و کامل‌تر است. از این‌رو، تکریم معنایی درونی است که به دیگری کاری ندارد و تنها آن موجود شرافت و عنایت یافته است و شامل همه، حتی مشرکان و کافران هم می‌شود؛ برخلاف «تفضیل» که در مقایسه و اشتراک ارزیابی می‌شود (Tabatabaei, 1992).

امنیت که به واسطه عفاف برای زن ایجاد می‌شود و منجر به رضایت خاطر او از زندگی می‌شود، از لوازم حفظ کرامت انسان است. عفاف در فرهنگ اسلامی، مقدمه رشد، تعالی و برطرف کردن موانع داخلی برای رسیدن به مقصود است. به همین دلیل بخش زیادی از توصیه‌های اجتماعی اسلام تأکید بر تحقق این امور است.

مصادیق عفاف در قدرت‌یابی زنان در جامعه

الف) مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب

مبارزه با تهاجم فرهنگی، پدیده‌ای نوین نیست. در طول تاریخ بشر، جنگ فرهنگی، همیشه وجود داشته است. به عنوان نمونه، فرعون در برابر موسی(ع) به جنگ فرهنگی متوسل شده گفت: «أَتَى أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ» (Momen, 26) «می‌ترسم آیین شما را دگرگون سازد و یا در این سرزمین فساد برپا نماید!»

یکی از جنبه‌های مهم تهاجم فرهنگی غربی‌ها مبارزه با حجاب و از بین بردن امنیت اجتماعی بوده و هست و این امر مشخصاً از زمان رضاخان شروع شد. به این صورت که با عنوان متحدالشکل شدن، با حجاب به مبارزه برخاستند (Hashemi Rafsanjani, 1982).

حفظ حجاب و امنیت اجتماعی و درک رابطه مستقیم و عمیق این دو مقوله، راهکارها و فواید بسیار ارزشمندی را جهت مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب ارائه می‌دهد:

- باعث تبلیغ فرهنگ ناب اسلامی و تشویق جوانان به ازدواج موفق اسلامی می‌شود؛
- جوانان را جهت تقویت روحیه و حفظ آرامش درونی به جای سوق دادن به محیط فحشا و اعمال مبتذل، به شرکت در فعالیت‌های هنری، ورزشی، فرهنگی و مذهبی رهنمون می‌شود؛
- حفظ حجاب نه تنها باعث ایجاد امنیت اجتماعی فراگیر می‌شود بلکه جهت مبارزه با تهاجم فرهنگی، مسئولان را از واردات کالای تجملاتی، لوازم بهداشتی و آرایشی مبتذل نهی می‌نماید.

ب) تربیت فرزندان

به واسطه مادران است که بسیاری از سنت‌ها و آمیزه‌های فرهنگی و اجتماعی و حتی فردی پایدار شده و به نسل بعدی منتقل می‌شود و یا در اثر نادیده انگاشتن و یا کم‌اهمیت جلوه دادن آن از سوی ایشان کم رنگ شده و یا از بین می‌رود. بنابراین، تغییر در ساختار فکری و فرهنگی زنان بازتاب وسیع و بسیار گسترده‌ای در جامعه به جای می‌گذارد چراکه تأثیر پرورش و رشد و نمو کودکی که در دامان تعقل، تفکر، آزاداندیشی و استقلال فکری انجام می‌شود، بسیار متفاوت‌تر از زمانی است که کودکان یک جامعه در دامان مادرانی پرورش می‌یابند که استقلال فکری و شخصیتی برایشان معنایی ندارد و همواره موجوداتی وابسته‌اند و یا تعقل و تفکر و مطالعه کم‌ترین زمان ممکن را در زندگی این زنان پر می‌کند. بسیاری از فعالیت‌های تربیتی و فعالیت‌های اجتماعی در مورد تربیت نسل‌های جوان و هم‌چنین، بسیاری از فعالیت‌ها جهت قانون‌مندی‌سازی افراد در جامعه آداب معاشرت‌های اجتماعی و در کل تغییر در چگونگی تفکر افراد در رابطه با اقتصاد سیاست و تجارب اغلب ناکام می‌ماند چرا که این گونه فعالیت‌ها و آموزش‌ها هم‌زمان هستند و نمو کودک در خانواده با شکل‌گیری شخصیت او عجین نگشته است. (Rashidpour, 2007).

مادر به عنوان الگوی عملی و تأثیرگذار، روی شخصیت و طرز تفکر فرزندان بویژه دختران نقش نمادین دارد و رفتار، کردار و پندار او به گونه مستقیم در فرایند رشد و تکوین، تعیین کننده است. در جوامع اسلامی که حتی مردان بزرگ از دامن آنان به معراج می‌روند. زن جایگاهی والا در توسعه و ترویج فرهنگ اسلامی دارد. خوشبخت کسی است که مادرش دارای گوهر گران بهای عفت باشد. امام خمینی (ره)، نیز در مورد مقدار نفوذ و تأثیر تربیتی مادران در شخصیت کودکان می‌فرمود: «سعادت بچه‌ها از دامن مادر شروع می‌شود. آن قدری که اخلاق مادر در بچه و کودک نوری تأثیر دارد و به او منتقل می‌شود، از دیگران عملی نیست. مادرها مبداء خیرات هستند و اگر خدای نخواستہ مادرانی باشند که بچه‌ها را بد تربیت کنند، مبدأ شروند. یک مادر ممکن است یک بچه را خوب تربیت کند و آن بچه، یک امت را نجات بدهد و ممکن است بد تربیت کند و موجب هلاکت امت بشود» (Imam Khomeini, 1994). لذا با توجه به نقش تربیتی مادران در ترویج فرهنگ حجاب و عفاف، می‌توان به تحکیم این ارزش والای اسلامی و ایرانی در بین دختران و مادران نسل‌های آتی اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

اهمیت «عفاف» به عنوان یکی از اساسی‌ترین قوانین الهی، بر هیچ متفکری پوشیده نیست و دین مبین اسلام با طرح و تأکید آن، تدابیری اساسی در حوزه خانواده و اجتماع اندیشیده است. امروزه نیز باید برای گسترش عفاف در جامعه جهت ایجاد امنیت اجتماعی اموری از جمله امر به

معروف و نهی از منکر، تقویت باورهای دینی و معرفی الگوی مناسب به فرزندان، تربیت صحیح آنان و... را به کار بست. پس اگر مردم خواهان جامعه‌ای سالم هستند، همه باید پاسدار «عفاف» بمانند. پس در یک سو زنان جامعه اسلامی باید از خودنمایی، خودآرایی و دلربایی در محیط بیرون از خانه پرهیز کرده و مردان جامعه نیز از چشم چرانی و هوسرانی خودداری نمایند. از سوی دیگر نظام اسلامی هم با توجه به امکانات و مقدوراتی که در اختیار دارد باید با تمهیدات کارشناسی شده و برنامه‌ریزی دقیق، زمینه ازدواج به هنگام جوانان را فراهم نماید و تمام تلاش خود را جهت آلوده نشدن جوانان به انحرافات اخلاقی بکار گیرد.

حجاب، اگرچه مقدمه‌ای است برای عفاف، اما ثمرات فردی و اجتماعی دیگری نیز بر آن مترتب خواهد بود، یعنی افزون بر این که داشتن حجاب زن دستاوردهایی فراوان از جمله امنیت و آرامش دارد که خود در بهبود سلامت روانی جامعه مؤثر است، برای خود شخص نیز امتیازی است برای کسب کمالات انسانی و از همه مهم‌تر بر اساس آیه ۵۹ سوره مبارکه احزاب: حجاب تکلیفی است نسبت به تمام زنان مؤمن، پس دستوری الهی و امری واجب است. حال اگر کسانی با نگرش دینی، اسلامی یا با رویکرد جامعه‌شناختی و روان‌شناسی به چنین کارکردها و تأثیرات مطلوب، بویژه تأمین امنیت اجتماعی پی ببرند، نه تنها هدفمندانه، زندگی می‌کنند، بلکه برای رفتارها و اندیشه‌هایشان دست به گزینش می‌زنند تا به اهداف متعالی الهی و انسانی دست یابند. پوشش زنان به همه آحاد جامعه مربوط می‌شود؛ با مد نظر داشتن آثار زیان بار و مخرب بی‌حجابی و بدحجابی زنان نمی‌توانند و نباید با نداشتن حجاب مناسب خود آرامش همگانی را سلب کنند که اثرات سوء آن افزون بر زمان حال، آینده را هم در بر می‌گیرد.

References

- Holy Quran
- Ibn Manzur, M. I. M. (1994). Lisan al-Arab. Dar Sadir, Beirut, Persian.
- Imam Khomeini, R. (1999). Sahife Imam, Tehran, Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini, Persian.
- Tamimi Amadi, A.W. B. M. (1978). Tasnif ghurar al-hikam WA durar al-kalim. Qum: Daftar-i Tablighat, Persian.
- Javadi-Amoli, A. (1999). Woman in Mirror the Glory and Beauty, Persian.
- _____. (2009), International Relations in Islam, Qom, Isra, Persian.
- Tabatabaei, Seyed Mohammad Hossein, (1992) Al-Mizan fi Tafsir al Quran. Ishmaelian. Qom, Persian.
- Al-Tarihi, Fakhr al-Din. (1994). Majma' al-Bahrayn wa-mutlaqa al-nayrayn. First Edition. Albeseh Institute, Qom, Persian.
- _____. (1996). Majma ' al-Bahrayn. Maktab Al-Mortazavi. Tehran, Persian.
- Farahidi, A.Kh.I. A. (1985). The book-Al Ain, Dar Al-Hijrah. Qom, Persian.

- Keleji .M. (1988). Mu`jam lughah al-Fuqaha, Dar Al-Nafaes leltabeh and alnashr al-tozih, Persian.
- Mohammadi Reyshahri, M. (2008). Mizan al Hikmah.Dar al-Hadith, Qom, Persian.
- _____. (1998). Mizan al Hikmah., publishing and Translation Company, Tehran, Persian.
- Mir Khani, E. S. (2001). The Chastity in human life. Neday Sadiq, No. 2. Imam Sadiq University (AS), Tehran, Persian.
- Naraqi, M. A. (1998). Miraj al-Sadat, Dehghan Press, Tehran, Persian.
- Hashemi Rafsanjani, A. A. (1982). Revolution or a new mission, Yasser Press, Tehran, Persian.
- Rashid pour, M. (2007). Way of Upbringing, Anjoman oliya va morabian Press, Tehran, Persian.
- Rashid pour, M. (2008). Acquaintance with Islamic breeding with emphasis on methods, Anjoman oliya va morabian Press, Tehran, Persian.
- Akbari, Mo.R. (2001). Hijab in our Era, Payam Azadi Press, Tehran, Persian.
- Sarkar Arani, M. (1994). "Education and Development", Journal of cultural development, Issue 15, Persian.
- Sharbatian, M, H. (2011). "Reflections on the hijab and advice sociological explanation for it," Cultural Engineering Magazine; Issue 55, 56, Persian.